

نظام مالیاتی و بودجه

در اسلام

مقاله حاضر خلاصه‌ای است از کتاب
"مقدمه‌ای بر نظام مالیاتی و بودجه
در اسلام" نوشته س. م. رمدرسی‌ها ز
انتشارات هجرت که توسط آقای
جها‌نگیر رضائی تلخیص و تنظیم شده
است.

در شماره قبل، قسمت اول این
مقاله را مطالعه کردید و در این
شماره دومین قسمت آن بنظرتان
میرسد.

تما یزبین پول طلاونقره و سایر پولها

آن از جنس فلزاتی باشد که مقدار آن
فراوان تر است و یا اساساً ارزش
پولی آن به واسطه اعتبار می‌باشد
در اینگونه پولها چون ماده اصلی در
اختیار دولت است می‌توانند در وقت
نیاز زیول جدید منتشر نمایند و علاوه بر
رفع نیازها مع به پول برای دولت
درآمدی باشد. هرچند این روش ممکن
است در بعضی موارد موجب بروز بی‌راهی
عوارض سواقتصادی شود اما مسئله در
این است که با لکل دست دولت در

کمیت طلاونقره موجود در هر جا مع
محدود است و در نتیجه و بناچار حجم
پول جا مع از حد معینی نمیتواند
تجاوز کند زیرا ماده آن که طلاونقره
می‌باشد محدود است. در این هنگام اگر
افزادی مقداری از این پول را از
جریان خارج کرده و کزنمایند جا مع
وسيله مبادلله خود را از دست داده و در
نتیجه حجم مبادلات پائین می‌آید و
رشد اقتصادی کند شده و به رکود کشیده
میشود اما به خلاف پولهای که ماده

انعام سه گانه خالی نخواهد بود زیرا بطور معمول بیشترین تغذیه پروتئین گوشتی مسلمانان از این راه تامین میشود و بنا بر این چنین منابعی در جامعه با وجود شرایط دیگر تعلق زکات یقیناً " وجود دارد .

ثانیا " استفاده مجانی که دارندگان این دامها از منابع طبیعی مینمایند زیرا تنها بر انعامی که با چرا تغذیه میکنند زکات واجب است پس در مقابل این استفاده مجانی از مراتع باید مالیاتی بپردازند علاوه اینکه دامداری بدین طریق با وجود داشتن منفعت سرشار تقریبا " زحمت زیادی ندارد جالب این جاست در صورتیکه تغذیه دامها از طریق چرا انجام نگیرد به ناچار مقداری از خوراک آنها باید از طریق جوتامین شود که جونیز از منابع مورد تعلق زکات می باشد و در این هنگام تقاضا برای جوت با لارفته و تا اندازه ای نقصانی که در مقدار زکات دامها به واسطه تعلیف پدید می آید از این ناحیه جبران می گردد و در حقیقت این دوزکات تا اندازه ای مکمل یکدیگر میشوند .

اما گندم شاید به جهت همین خاصیت بی کششی آن میباید زیرا خوراک عمده بسیاری از مناطق جهان گندم است بدین جهت منبع مطمئنی برای درآمد مالیاتی میتواند باشد و لهذا

انتشار پول و تامین نیازهای مبادلاتی بسته نیست. به خلاف آنجا که پول از طلا و نقره باشد که به هیچ وجه برای دولت با لایردن حجم آن امکان ندارد و به ناچار باید همان پولهای موجود وارد جریان مبادلاتی شود و انجام این غرض از راه جعل مالیات بر کنز پول ممکن است .

انتشار پول جدید و زکات قهری

جالب اینجاست که در موارد کنز پول وقتی دولت اقدام به انتشار پول جدید کند بیشترین زیان متوجه آنان خواهد شد که آن را کنز کرده و از جریان خارج نموده اند و در حقیقت زکات پول کنز شده به طور قهری به مقدار دلخواه از جانب دولت گرفته میشود در حالی که اموال و داراییهای دیگر از ارزش واقعی آن کاسته نمی گردد بلکه احیانا " اضافه نیز میشود .

علت تعلق زکات به نه چیز

ولی در اینجا یک سؤال باقی میماند که چرا زکات واجب فقط بر این نه چیز تعلق گرفته است. البته مقداری از فلسفه آن بخصوص درباره نقدین و تا اندازه ای نسبت به انعام شلثه گذشت اما اضافه بر آن آنچه که در این مورد میتوان حدس زد در مورد انعام اینک :

اولا : هیچ جامعه اسلامی از این

زکاتهای مستحبی

علاوه بر زکات واجب که به اشیاءه. گانه تعلق میگیرد در بعضی اشیاء دیگر فتوی به استحباب زکات داده شده است که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره میشود:

۱- حبوباتی که هنگام خرید و فروش پیمانها میشود یا به وزن در می آید مثل برنج، نخود، ماش، عدس، و نظایر اینها و همچنین میوهها مثل سیب، زردآلو و نظایر آن. و لسی در سبزیجات و میوههای غیر درختی مثل کدو، بادمجان، خیار، خربزه و نظایر اینها زکات نیست.

۲- مال التجاره.

۳- املاک و مزارعی که مقصود از آن سود بردن است مثل باغ، کارخانه، دکان و نظایر اینها، البته هر یک از اینها دارای احکامی میباشد که باید به کتب مراجعه نمود.

زکات فطره

در اسلام علاوه بر زکات اموال، واجب مالی دیگری وضع شده است که بعنوان زکات ایدان شناخته میشود. این زکات هر سال یک بار پس از پایان یافتن ماه رمضان واجب می

غیر از شرط نماز که آن هم چندان زیاد نیست بعضی شرایط دیگری را که در سایر منابع بود و مقدار مالیات را پائین می آورد در گندم و سایر غلات نیست. شایدهمین فلسفه را نیز تا اندازه ای بتوان به جو تعمیم داد.

و اما خرما و کشمش علاوه بر خواصی که این دو کالا از نظر خوراکی در بر دارند یکی از مزایای آنها این است که میتوان آنها را بدون هزینه نگاهداری کرد در حالیکه دارای ارزش بالایی نسبت به تولیدات مشابه میباشد. بنا بر این چون فردمی تواند با زحمت کمتر درآمد بالایی را با این کالاها کسب کند باید زکات بپردازد و از نگرانی که در تمام این اقلام وجود دارد اینک اگر از عین تمام این منابع زکات پرداخته شود نه از ارزش آنها، فقرا و بیچارگان میتوانند با آنها احتیاجات لازم خود را برطرف نمایند و حتی مقدار کمی از آنها میتوانند در مقایسه با سایر اشیاء منبع سرشاری برای تامین نیازهای ناداران باشد.

در اینجا باید توجه داشت انحصار زکات واجب در این نه چیز بدان معنی نیست که به کالاهای دیگر مالیات تعلق نمیگیرد بلکه آنها نیز در صورتیکه اضافه بر هزینه باشد مورد تعلق خمس خواهد بود.

دانست و قبل از تشکیل حکومت بودجه‌ای برای تامین هزینه‌های یک انقلاب برای رسیدن به حکومت عدل و سائیراموری که انجام آن مورد نظر امام علیه السلام است و دارای بار مالی است.

منابع خمس و روش مالیاتی اسلام

منابع خمس

خمس بر هفت چیز واجب است که بعضی از آنها دارای نصاب میباشند یعنی تا به حد خاصی از نظر قیمت نرسد خمس آن واجب نیست همچون خمس گنج و معدن، اما هر کدام از اینها که هزینه‌ای برای آن فرض شود قبلاً از آن استثنای شده و سپس تخمین میگردد. در حال حاضر در میان متعلقات خمس مهمترین آنها معادن و ارباب مکاسب (اضافه درآمد) (۱) می باشد. تعلق خمس به معادن شاید به واسطه استفاده مجانی است که استخراج کننده‌های معادن از منابع طبیعی میکنند اما برای توضیح و تبیین خمس اضافه درآمد و اساساً کل روش مالیاتی اسلام باید ابتدا

شود و هر فردی با ید تقریباً "سه اندازه سه کیلو از غذای متعارف محیط خود و یا قیمت آن را از جانب خود و تمام افراد تحت تکفلش بپسردارد. مصارف زکات فطره همچون زکات اموال میباشد. هر چند در اینجا احتمال داده میشود که مصرف زکات فطره اختصاص به فقرا از مصارف هشت گانه زکات داشته باشد و بنا بر این اعطای به خصوص فقرا قدر متیقن با احتیاط است.

خمس

فلسفه تشریح خمس

- ۱) تا مین هزینه‌ها ما مبعنوان رئیس حکومت که در هر موردی صلاح بدانند مصرف نماید.
- ۲) حفظ کرامت پیامبر (ص).
- ۳) وسیله‌ای برای رشد و کمال انسان.
- ۴) تا مین بودجه برای هر کار خیری که ما میخواهد آنرا انجام دهد.
- ۵) و خلاصه تمام قوانندی که بر یک حکومت سالم مترتب است و می توان ثمره یا فلسفه ادوم خمس

(۱) مقصود از درآمد، هر چیز که فایده حساب شود آن چنانکه در روایت آمده "الخمس فی کل ما افاده الناس" خمس در هر چیزی است که مردم استفاده ببرند. جامع الاحادیث ص ۵۲۶ (افاده‌ها به معنی استفاده).

عامل نیست و در کنار آن عوامل دیگری وجود دارد که در کتب مالییه عمومی بیان گردیده و ما در اینجا به ذکر نام مهمترین آنها اکتفا می‌کنیم:

الف - حجم جمعیت

ب - ساختمان جمعیت

ج - کیفیت توزیع درآمد ملی

د - اوضاع و احوال اقتصادی

ه - روحیه و فرهنگ

۲- کشش مالیاتی فرد:

همانطور که برداشت مالیات از کل درآمد ملی و در سطح کلان تابع شرایط و ضوابطی بود توانایی هر فرد نیز در پرداخت مالیات دارای محدودیت‌هایی می‌باشد و تنها آن اندازه می‌توان از فرد مالیات دریافت نمود که تا مین سطح زندگی متناسب با او و افراد تحت تکفلش مختل نشود و از آن طرف ذخیره‌ای برای او منظور گردد تا بتواند وسایل اشتغال آتی فرزندان خود را تضمین کند و نیز در مواقع ضروری از آن استفاده نماید.

عوامل اساسی تعیین کننده در این قسمت را بدین طریق بیان کرده‌اند:

الف - حجم درآمد و هزینه

ب - نوع شغل درآمدزا

قواعد و ضوابطی که برگرفتن مالیات و مقدار آن حاکم است تعیین نمائیم و آن‌گاه بر اساس این ضوابط به تحلیل نظام مالیاتی اسلام بپردازیم.

ظرفیت مطلق پرداخت مالیات

اساساً "ظرفیت مطلق پرداخت

مالیات را تابع دو چیز میدانند:

۱- کشش مالیاتی جامعه

منظور از کشش مالیاتی جامعه

مقدار توانایی است که جامعه برای

پرداخت مالیات دارد، بدون آنکه

این برداشت موجب پدید آمدن آثار

مضراقتصادی در جامعه بشود و این در

صورتی است که با گرفتن مالیات

نقصانی در سطح زندگی موجود جامعه

پدیدار نگردد و از طرف دیگر ذخیره

کافی برای سرمایه‌گذاری جدید وجود

داشته باشد تا علاوه بر هماهنگی رشد

اقتصادی با افزایش جمعیت، به‌آلای

رفتن سطح زندگی بطور عموم نیسز

میسر باشد. (۲)

بدیهی است که تعیین این مقدار

ارتباط مستقیمی با درآمد ملی دارد

بدین معنی که هر چه حجم درآمد ملی

بالاتر رود ظرفیت مالیاتی جامعه

نیز افزایش می‌یابد اما این تنها

(۲) این شرط در صورتی که دولت بتواند از جوه دریافتی در راه سرمایه

گذاری استفاده کند الزامی نیست مگر این‌که موجب شود روحیه

تلاش و پس انداز از مردم سلب گردد.

۱- نبود اسراف و تبذیر و تجمل

پرستی‌های بی حد و حصر و عدم تبلیغات برای مصرف بیشتر بلکه سفاک‌ش به زهد و میانه‌روی

۲- عدم گرایش به کارفرمانموندن

دولت بطور مطلق

۳- وجود اوقاف و صدقات و تبرعات

زیاد

با وجود شرط اول مالیات بردرآمد

با ید تبدیل شود به مالیات برافزافه

درآمد، زیر سطح زندگی افراد و در

نتیجه کل جامعه در سطحی قرار دارد که

تنزل از آن برخلاف هدف اقتصاد

مطلوب می‌باشد. بلی در صورتی که

فردی بیش از اندازه معمول با حفظ

شرایط مختص به خود موونه داشته این

مقدار را ند، از مالیات معاف نیست

و با ید خمس آن پرداخت شود. به هر

حال مالیات بردرآمد در جامعه اسلامی

با ید بعد از کسر هزینه با شد و گرنه

نتیجه ای مخالف هدف ترسیم شده کل

دستگاه اقتصاد خواهد داد.

به واسطه شرط دوم که عدم گرایش

به کارفرمانموندن مطلق دولت می

باشد با ید به اندازه کافی ذخیره برای

سرما ید گذاری در بخش خصوصی منظور

شود زیرا اگر بیش از اندازه مالیات

وضع شود با ید دولت خود عهد دار

سرما ید گذاری گردد و بتدریج بر

خلاف آنچه مطلوب است دولت تبدیل

به یک کارفرمای بزرگ میشود و مردم

ج - روحیه و اخلاق فرد

بنا بر این در وضع هرگونه مالیاتی

با ید این دو شرط رعایت شود و کشش

مالیاتی جامعه و فرد، هر دو مورد

توجه قرار گیرد بعنوان مثال ارث

گرچه درآمدی برای فرد است و بنا -

بر این کشش مالیاتی فرد را افزایش

میدهد اما برای کل جامعه درآمد نیست

و بلکه انتقال سرمایه است و بنابراین

کشش مالیاتی جامعه تغییر نمی‌یابد.

بنابراین وضع مالیات بر ارث

تجا و از ظرفیت مالیاتی یک جامعه

میباشد و تنها در شرایط خاصی چنین

امری جایز است، این بیان را می

توان تفسیر و تحلیلی برای بعضی

فتاوی که قائل به عدم وجوب اخراج

خمس ارث می‌باشند دانست زیرا مبنای

خمس، در بیشترین موارد آن بر اخذ

مالیات از درآمد است.

اکنون با روشن شدن مفهوم ظرفیت

مالیاتی با ید ببینیم که ظرفیت

مالیاتی جامعه اسلامی در چه حد است

و بر اساس هدفی که در اقتصاد اسلامی

دنبال میشود با ید ملاحظه نمود تا چه

مقدار مالیات برای رسیدن بدین

هدف لازم است و نظام مالیاتی اسلام

چه نسبتی با ظرفیت مالیاتی جامعه

دارد.

ابتدا ویژگی‌هایی که در تشخیص

ظرفیت مالیاتی جامعه اسلامی مؤثر

است بیان می‌کنیم:

تولید و کار را از مردم سلب میکند و در اینجاست دولت باید حتی المقدور از روشهای غیر مالیاتی برای تامین سرمایه مورد احتیاج استفاده کند و فقط در حد لزوم از روشهای مالیاتی بهره جویید و خلاصه با شرط سوم بسیاری از خدمات عمومی را که دولتها انجام میدهند از جانب خود مردم داد و طلبانه انجام می‌پذیرد و در این مورد دولت میتواند تنها نقش هدایت کننده داشته باشد بنا بر این بار نیز از بودجه حذف شده و توسط خود مردم با روشی آسانتر و از آنتر تحقق می‌یابد.

اکنون با توجه به ظرفیت مالیاتی که در جامعه اسلامی با وجود این شرایط متصور است میتوان حدس زد که خمس ارباب مکاسب که عمده ترین رقم مالیاتی را به خود اختصاص داده بتواند تقریباً "تمام ظرفیت مالیاتی جامعه اسلامی را جذب نماید، زیرا علاوه بر حفظ سطح زندگی جامعه ذخیره کافی برای سرمایه گذاری باقی خواهد بود.

از دخالت در اقتصاد بطور مستقل، کلاً رزده میشوند البته این بدان معنی نیست که دولت نباید در اقتصاد دخالت نماید بلکه دولت نیز همچون افراد می تواند عهده دار امور تولیدی و درآمد زا بشود بلکه احیاناً "در مسواری ضروری میباشد اما لازم نیست این سرمایه گذاری دولتی از راه گرفتن مالیات بیشتر با شدت انگیزه تولید و کار را از مردم سلب نماید بلکه وقتی لزوم سرمایه گذاری دولتی احساس شد و حالت وجود دارد:

الف - مردم آن چنان رشد دینی و فرهنگی دارند که با تقاضای مسئولین حاضر به کمک و مساعدت میباشند در اینجا دولت میتواند از انواع و اقسام مساعدتهای آنان بهره جوید بدون آنکه مجبور به وضع مالیات اجباری شود و بنا بر این مالیات یا همان نرخ سابق باقی میماند.

ب - مردم چنین آمادگی روحی ندارند در این هنگام وضع مالیات تنها بیجا و مطلوبی بیارمی آورد و علاوه بر انواع حیلها برای فرار از پرداخت، انگیزه های

تواند مالی را بعنوان بودجه خاص نظامی از مردم تقاضا نماید و لازم نیست این کسر بودجه را از راههای دیگر پولی، استقراضی و غیره تامین کند. البته این اختصاص به بودجه نظامی ندارد بلکه هر واجب دیگری نیز اگر احتیاج به تامین مالی داشت همه مردم در مقابل آن مسئولند و مادرحت مالیاتهای تابعی از آن سخس نخواهیم گفت.

زکات و خمس در یک تحلیل کلی

در یک نگاه کلی میتوان چنین حدس زد که تعدد دستگاهاهی مالیاتی اسلام ناشی از حالت جمعی مکتب اسلام میباشد. بدین معنی که چون اسلام بر اساس جاودانگی و شمولیت آن باید جوامع مختلف را در شرایط گوناگون رهبری و هدایت کند، کل مکتب اسلام و از جمله دستگاها مالیاتی آن باید به گونه ای باشد تا جوامع مختلفی که در طول تاریخ پدید می آید و نیز جوامع گوناگونی که در یک مقطع خاصی ممکن است وجود داشته باشد همه را بتواند زیر پوشش برنامه های خود قرار دهد و تمام شرایط عمودی و افقی و به تعبیر دیگر طولی و عرضی را مورد نظر قرار دهد بدین جهت اسلام دو دستگاها مالیاتی وضع نموده که هر یک دیگری را تکمیل

البته جذب مقداری از ظرفیت نیز توسط انواع مالیاتهای دیگر انجام میشود که هر یک برای خود نیز توجیهی خاص میتواند داشته باشد. در اینجا نباید از ذکر این نکته غفلت ورزید که بودجه نظامی کشور اسلامی مستقیماً "به خود مردم متوجه است زیرا خداوند متعال همه را مورد خطاب قرار داده می فرماید: (۳) "و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه" "و مهیا سازید برای (جنگ) آنان آنچه از نیرو در توان دارید." این تهیه قوا چه برای جهاد و چه برای دفاع وظیفه همه است و هر کس با بیدر این مسیر به اندازه توان خود تارفع احتیاج تلاش نماید و با مال و جان کمک نماید این حکم اختصاص به ولی امر ندارد بلکه او نیز همچون آنها در مردم به تناسب خود مسئولیتها و وظایفی دارد. بنا بر این هر کس در اینجا بایستی خود را بکاربرد. بلی چون اعداد قوا بدون هدایت و سازماندهی امکان ندارد، لامحاله بایست مردم این وظیفه خطیر خود را توسط تشکیل سازمانها و مدیریتهای مطمئن به فرماندهی ولی امر انجام دهند. بنا بر این در صورتیکه بودجه عمومی برای سازماندهی نیروی نظامی کشور کفایت نکند از ابتداء دولت می

کرده و متقابلاً "یکدیگر را یاری می‌رسانند و هر جا که توانائی یک دستگاه کاهش یافت دستگاه دیگر این نقصان را جبران می‌کند؛ دواوری از تاریخ که عمده‌ترین درآمد‌های مردم از طریق کشاورزی و دامداری تا مین می‌شد باید از نظر مالیاتی اداره شود چنانکه دوران‌هایی که درآمد حاصل از بازرگانی و صنعت در کنار درآمد‌های کشاورزی و دامداری سهم بزرگی از درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دادند است نیز باید زیر پوشش نظام مالیاتی قرار گیرد و همچنین زمانی که عمده‌ترین درآمد‌ها از طریق صنعت و تجارت به دست می‌آید و سهم کشاورزی و دامداری ناچیز است، بعلاوه این تمام مطلب نیست در یک مقطع خاص همچون زمان حاضر نیز ممکن است جوامع گوناگونی وجود داشته باشد که دارای شرایط متفاوتی باشند مثلاً ایران امروز را ملاحظه کنید آنقدر تفاوت کیفیات زندگی و تحصیل درآمد در نقاط مختلف با رزاست که احتیاج به توضیح ندارد. تحصیل درآمد در شهرهایی همچون تهران و اصفهان و غیره بیشتر از ناحیه صنعت و تجارت می‌باشد، در حالیکه در همین زمان عشایر کوچ کننده این کشور بیشترین راه درآمد آنان از طریق دامداری و پرورش گوسفند است. ما در اینجا اکنون به

این صدد نیستیم که آیا چنین تفاوتی مطلوب است و یا نه و اساساً چسبندگی وظیفه‌ای در مقابل این وضع بعهده ما می‌باشد بلکه مقصود این است که چنین وضعیتی به هر دلیل گاه اتفاق می‌افتد که در کنار جامعه‌ای با آن کیفیت درآمد و سطح زندگی، جامعه‌ای نیز یافت می‌شود که با سطح زندگی بسیار پایین‌تر، بطور معمول از داشتن پس‌انداز قابل توجهی محروم است. اکنون، اگر نظمی بخواهد جامعه‌ای را که بیشترین درآمد آن کشاورزی و دامداری است اداره کند مسلماً "از دستگاه مالیاتی همچون خمس به تنهایی نمی‌تواند استفاده نماید زیرا اولاً" بطور معمول در آن محیط پس‌انداز معتدنا بهی وجود ندارد و ثانیاً "اگر در طول سال‌های متمادی خمس بدانان تعلق گیرد بیش از یک دفعه پرداخت آن لازم نیست و در نتیجه این جامعه پرداخت مست مالیاتی نخواهد داشت، از آن طرف بیشترین نیاز فوری چنین جامعه‌ای، چه طولی و چه عرضی آن، بدلیل پایین بودن سطح زندگی و کمبود زمین‌های تحصیل درآمد، رفع نیازهای فقرا و درماندگان می‌باشد و مخارج دستگاه حکومت نسبت به سایر جوامع بسیار پایین‌تر است بدین جهت زکات در اینگونه شرایط کاربرد بیشتری دارد زیرا منابع زکات در اینگونه جوامع

درآمد که عمده ما خدما لیا تی خمس است در این گونه جوامع بسیار بالا است و دستگاه حکومتی بسیار پیچیده تر و دارای هزینه های سنگین تری می باشد، و بدین جهت تناسب بیشتری با مصارف خمس دارد که در اختیار امام م ولی امر که رئیس حکومت است قرار میگیرد در حالی که چنین جوامع پیشرفته ای اگر بطور صحیح اداره شود سطح فقر بسیار پایین خواهد بود پس باید بیشترین سهم در دست ولی امر باشد و احیاناً "اگر نیازی بود که فقرا عادی نیز از محل خمس اداره شوند باید از طریق او انجام گیرد چون با وجود گستردگی و توسعه دستگاه حکومت دسترسی به فقرا و تامین آنان از طریق دولت ممکن است. به خلاف زکات که اگر چه میتواند در اختیار امام قرار گیرد ولی ملکا و نیست و عمده ترین مصارف آن در میان ندگان هستند زیرا چنانکه گذشت در جامعه ای که منابع زکات بیشتر است سطح زندگی پایین تر و وسایل تحصیل درآمد کمتر و در نتیجه زمینه برای فقر مهیا تر می باشد هر چند در مورد زکات نیز امام میتواند سهم سبیل الله در اداره حکومت استفاده کند آن چنانکه امام میتواند نسبت از مال خمس نیز فقرا را تامین نماید ولی به نظر میرسد که در زکات اصل برای این است که به فقرا برسد و اداره حکومت

بیشتر است، چون عمده ترین راه تحصیل درآمد همان کشاورزی و دامداری است و بطور معمول بدلیل ابتدائی بودن جامعه پول رایج همان طلا و نقره می باشد و در کنار این مصارف زکات که بیشتر فقرا و در ماندگان می باشد در این گونه جوامع رقم بالاتری را به خود اختصاص میدهد و لهذا می بینیم رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم زکوات شهر نشینان بین خودشان و زکوات بادیه نشینان را نیز بین خودشان تقسیم میکرد چون بنا بر آنچه بیان شد تناسبی بین منابع و مصارف زکات و همچنین سطح زندگی مردم می باشد. بدین معنی که هر چه منابع زکات افزون باشد مصارف آن نیز زیادتر است علاوه آنکه باید سطح زندگی موجود هر جا معرا نیز مورد ملاحظه قرار داد تا با کاهش و نقصانهای حساب نشده اختلالی در مورد پیدا نیاید. اما در صورتی که جامعه از نظر اقتصادی رشد پیدا کرده و سطح زندگی بالا باشد و مردم در تامین نیازهای اقتصادی خود از تکنیکها و روشهای صنعتی و فوق صنعتی استفاده کنند، به استخراج معادن بپردازند، و حجم مبادلات بازرگانی بالا باشد در این صورت زکات نقش ضعیف تری خواهد داشت و نقش فعال در نظام مالیاتی توسط خمس انجام خواهد شد زیرا اضافه

بعلت خصوصیات حاکم بروضعیست
جغرافیائی و محل ویا کوچیدن مردم.
البته از این سخنان نباید توهم
شود که خمس مخصوص جوامع پیشرفته و
زکات برای جوامع ابتدائی است
بلکه در پیشرفته ترین جوامع نیز اگر
موضوع زکات موجود باشد باید زکات
را پرداخت و همانطور که گفتیم زکات
و خمس مکمل یکدیگرند.

خراج

یکی از منابع مهم درآمد بیت المال
خراج است که بصورت مال الاجاره یا
سهم مقاسمه اراضی مفتوح العنوه به
بیت المال واریز شده و در اختیار
ولی مسلمین قرار میگیرد.

تعریف خراج

بنا بر آنچه که از کلمات و لغویین
بر می آید خراج یک معنی عامی دارد که
شامل هر خراجی است از مکان خود و یا
آنچه از زمین خارج میشود و به دست می
آید و یک معنی خاص دارد و آن مالیات
یا مال الاجاره ویژه ای است که سلطان
از زمین میگیرد.

حتی لفظ خراج در نامه حضرت علی
علیه السلام به مالک اشتر ظاهراً در مال
الاجاره اراضی خراجیه است چون در
قسمتی از آن آمده است:

"اگر رعایا از سنگینی (مالیات)
یا رسیدن آفات یا از قطع شدن آب و یا

از زکات تبعی است و در خمس قضیه به
عکس میباید و خمس در اصل حق الاماره
است و تا مین فقره از این درآمد
تبعی میباید.

از این تحلیل نیز به یک نکته، که
تا یزیدین زکات و خمس ارباب مکاسب
است پی میبریم زیرا که این خمس
پس از کسر موونه پرداخت کنندنده
مالیات است در حالی که زکات فقط
نصاب دارد و حتی اگر شخص، مالک
موونه مال خویش نباشد باید زکات
را بپردازد و این بدان جهت است که
بیشترین عملکرد زکات در جوامع
میباشد که چندان پس اندازی ندارد
و اگر مالیات بعد از موونه گرفته شود
چه بسا هیچگونه دریافت قابل توجهی
نداشته باشد پس هر دو دستگاه مالیاتی

برای اداره جوامع مختلف طولی لازم
است کما اینکه در یک مقطع خاص اگر
بخشهای مختلف یک جامعه دارای
کیفیات گوناگون باشد اداره آن به
واسطه نظام مالیاتی تکمیلی خمس و
زکات ممکن است چون به هر حال نمی
توان یک بخش از جامعه را بالکل از
مالیات معاف نمود گرچه نسبت به
بخشهای دیگر جامعه عقب مانده تر
باشد به ویژه نسبت به نیازهای داخلی
خود و مخصوصاً "وضع درماندگان و
بینوایان که ممکن است نتوان از
طریق حکومت بدانان رسیدگی کرد

به ملکیت مسلمین درمی آید (۴) و چون ملک مسلمین است باید منافع آن توسط ولی مسلمین به صلاح مسلمین مصرف شود.

جزیه

درجا معه اسلام، کفاری که در پناه و ذمه دولت اسلامی زندگی میکنند باید مالیات ویژه‌ای بعنوان جزیه بپردازند.

این مالیات که باید به بیت‌المال واریز شود بر اساس مصالح مورد نظر حاکم و رعایت حال مودیان میتواند بر اراضی کفار، یا روس‌افرد و بنابر احتمال غیر از آنها و مرکب از آنها وضع شود ●

کمی با ران یا دگرگونی زمین بر اثر استیلا آب یا فشار تشنگی زراعت است شکایت کردند به آنان تخفیف بده به آنچه میدانست امور آنان به صلاح بیاید".

چون درزکات فریضه مشخص است و کم و زیاد نمی‌شود، در صورتیکه در اینجا حضرت تعدیل مالیات مفروض را به مالک محول میکنند.

شرایط زمینهای خراجی

بهر حال زمینهایی که خراج بر آن بسته میشود باید دارای سه شرط باشد:

۱- زمین بوسیله حمله نظامی به تصرف لشکریان اسلام درآمده باشد یا مسلمین صلح کرده باشند با کفار که زمین را از آن مسلمین باشد.

۲- این فتح و تصرف باذن امام علیه السلام باشد و اگر بدون اذن امام قتالی صورت گرفت غنائم از انفال است و مال امام علیه السلام میباشد.

۳- زمین فتح شده باذن امام حال فتح آباد باشد ولی اگر موات بود از انفال است و مال امام علیه السلام میباشد.

تنها با این سه شرط است که زمین

□
سومین و آخرین قسمت مقاله در شماره آینده بجا خواهد رسید.

(۴) بعضی گفته‌اند بعد از خراج خمس چون غنیمت است پس تنها $\frac{۲}{۵}$ ملک مسلمین میشود.